

بررسی رابطه تفکر فلسفی مدیران مدارس با بهداشت روانی معلمان

در مدارس دوره ابتدایی مناطق تهران

اکبر محمدی^۱، فاطمه غلامی^۲

چکیده

پژوهش حاضر، باهدف بررسی تأثیر تفکر فلسفی مدیران مدارس بر بهداشت روانی آنان اجرا گردید. این پژوهش از نوع پژوهش‌های توصیفی بود و در دو مرحله انجام گرفته است: ۱- سنجش تفکر فلسفی مدیران از طریق آزمون نگرش سنج جونز. ۲- نظرسنجی از معلمان پیرامون رعایت اصول و مبانی اولیه بهداشت روانی از سوی مدیران آنان از طریق پرسشنامه محقق ساخته. جامعه آماری این پژوهش کلیه مدیران و معلمان دوره ابتدایی منطقه ۳ و ۴ شهرستان تهران بود. حجم نمونه تحقیق شامل ۳۵ نفر مدیر و ۱۵۰ نفر معلم بود که به طور تصادفی ساده انتخاب شده بودند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون ضریب همبستگی پیرسون و آزمون T برای گروه‌های مستقل استفاده گردید. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد تفکر فلسفی مدیران بر بهداشت روانی آنان تأثیر مثبت دارد، مدیران با تفکر فلسفی برای معلمان احترام و ارزش بیشتری قائلند، مدیران با تفکر فلسفی در شناخت و درک شرایط واقعی معلمان توانایی بیشتری دارند، مدیران با تفکر فلسفی به برقراری روابط با معلمان توجه بیشتری نشان می‌دهند، مدیران با تفکر فلسفی به مشارکت معلمان در تصمیم‌گیریها اهمیت بیشتری می‌دهند و مدیران با تفکر فلسفی به نیازهای معلمان توجه بیشتری دارند.

کلید واژه‌ها: تفکر فلسفی، مدیران مدارس، بهداشت روانی

پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۲/۱۸

دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۲/۲۵

^۱ - عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار (نویسنده مسئول) a_mohammadi_a@yahoo.com

^۲ - مدرس و کارمند دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن fgheducation@yahoo.co.in

مقدمه

تفکر از عمده ویژگی انسان و فصل تمایز او با سایر موجودات است که فرهنگ و تمدن بشری مدیون آن است. البته فکر به خودی خود ارزشی ندارد بلکه ملاک ارزش آن مشکل‌گشایی و پاسخی است که انسان به مشکلات خود می‌دهد که این پاسخ راه حل مسأله است. همانطور که کمال یک حیوان درنده، درندگی اوست. کمال و ارزش یک فرد انسانی نیز در نیکو اندیشیدن است. تفکر جریانی است که در آن فرد کوشش می‌کند مشکل را که با آن روبرو شده مشخص سازد و با استفاده از تجربیات قبلی خویش به حل آن اقدام کند (شریعتمداری، ۱۳۷۹). تفکر فلسفی مرکب از دو کلمه تفکر و فلسفه است. تفکر در لغت به معنی اندیشیدن، بفکر و اندیشه فرورفتن است و فلسفه به معنی دوست داری دانایی و حکمت که نوعی طرز تفکر در جهت فعالیت‌های معین است (مجتبوی، ۱۳۸۸) و (فیلیپ جی، ۱۳۸۴). منظور از تفکر فلسفی در این پژوهش عبارت است از طرز تفکری با ماهیت قضاوت ارزشی و با خصوصیات جامعیت، تعمق و انعطاف‌پذیری فکری که در نحوه برخورد با مسائل مختلف و قضاوت‌ها ظاهر می‌گردد و از طریق آزمون ۱۰۰ سوالی جونز سنجش می‌شود.

بهداشت روانی از دو کلمه بهداشت و روان ترکیب شده است. کلمه بهداشت یعنی از به بودن و بهتر زندگی کردن و بر بکار بردن وسایلی که بهبود و بهتر بودن را محرز و مسلم سازد دلالت می‌کند. روان یعنی خو و خصلت، عواطف، احساسات و اندیشه و گفتار و رفتار و کردار که از انسان سر می‌زند (ذبیحی، ۱۳۸۸). بهداشت روانی به معنی سلامت فکر، که نشان دهنده وضع مثبت و سلامت روان است «حالی است که آدمی در آن عقده‌های باطنی خود را حل و فصل می‌کند و قادر است با تغییرات و مقتضیات محیط طبیعی و اجتماعی خویش سازش داشته و مفید باشد و کوشش کند تا تندرستی و نشاط برای خود و دیگران فراهم سازد» (بابا صفری، ۱۳۷۸). البته مبانی تاریخی بهداشت روانی با اصطلاح اخلاق در تاریخ و فلسفه مطرح بوده است که ارتباط و پیوند جدایی‌ناپذیری با بهداشت روانی دارد. چرا که انسان سالم به مسایل اخلاقی محیطی که در آن زندگی می‌کند توجه کامل دارد. انسان نمی‌تواند بدون اینکه خوب باشد، شادکام زندگی کند. کارن هورنای معتقد است که «سرچشمه ناراحتی‌های روانی سازش نادرست با محیط و داشتن فلسفه غلط برای زندگی است» (گنجی، ۱۳۸۹). به موضوعات اخلاق در فلسفه و هم در ادیان آسمانی پرداخته شد. اخلاق در دین ایرانیان باستان، آیین زرتشت با

سرودهای (پندار نیک و گفتار نیک و کردار نیک) با زبان آسمانی بیان شده است که با اندیشه روشن از فروغ اهورایی، آدمی را به شناختن و برگزیدن ارزش‌های طولانی اخلاقی می‌خواند (پارکنسون، ۱۳۸۶).

در این پژوهش بهداشت روانی عبارت است از رعایت اصول و مبانی اولیه بهداشت روانی با مصادیقی چون محترم شمردن شخصیت معلمان، توانایی درک شرایط واقعی خود و معلمان و برقراری روابط صمیمانه با آنان، استفاده از نکته نظرات معلمان در تصمیم‌گیریها و توجه به نیازهای آنان از سوی مدیران است که بوسیله یک پرسشنامه ۳۰ سوالی محقق ساخته سنجش می‌شود. اساسی‌ترین شاخه فلسفه، منطق است که در آن تفکر، ماهیت خود تفکر است و فقط از نوعی تفکر که استدلال نامیده می‌شود مورد بحث قرار می‌گیرد تا فکر از خطاها و لغزشها مصون بماند. چون در بیان استدلال و فهماندن مقاصد خود به دیگران و فهمیدن مطالب آنها از الفاظ استفاده می‌گردد. منطق با تنظیم قواعد درستی یا نادرستی ارتباطات استدلال را با نتایجی تعیین می‌نماید (مجتبوی، ۱۳۷۸).

از نظر ارسطو تفکر منطقی بر اساس حجت یا استدلال است که جریانی است که ذهن بوسیله آن، از تصدیقات بدیهی به تصدیق نظری پی می‌برد به آنچه نمی‌داند علم حاصل می‌کند که باید میان امور معلوم به امر مجهول رابطه برقرار گردد. که سه گونه‌اند: ۱- تمثیل^۱ - ۲- استقراء^۲ - ۳- قیاس^۳ (شریعتمداری، ۱۳۸۹).

تفکر منطقی از نظر دکتر اسمیت با عنوان تفکر فلسفی و علمی بیان شده است. دارای خصوصیتی در سه بعد جامعیت، تعتن، قابلیت انعطاف فکری است که مجهز شدن فرد به این خصوصیات فکری، او را قادر می‌سازد تا از همه تواناییهای فکری خود، بدون اینکه تحت تأثیر جنبه‌های اجتماعی عاطفی و وضع بدنی خویش قرار گیرد بکار بندد تا قضاوت‌های درستی داشته باشد. امام صادق (ع) درباره ماهیت عقل (تفکر صحیح) می‌فرماید: «چیزی است بوسیله آن می‌توان خیر را از شر تمیز داد» (شریعتمداری، ۱۳۸۳) عقل، استعداد درک و تمیز و تشخیص و مقایسه و پیش‌بینی مؤمن می‌باشد تا بعنوان راهنما در برخورد با امور یا مشکلات و یا مناسبات

¹.comparison

².Induction

³.Deduction

انسانی و حتی در ارتباط با جهان و آفریدگار جهان یا رأی او باشد اسلام تعلیم و تربیت را از جهتی پرورش قدرت تفکر می‌داند که پایه و استمرار آموزش و پرورش است که امام علی (ع) می‌فرماید: «هیچ دانشی مانند فکر کردن نیست» (همان).

از اصولی که مبنای فکری مربیان در حل مسائل تربیتی قرار می‌گیرد طرز تفکر صحیح علمی است که فیلیپ اسمیت^۱ این نوع طرز تفکر را تفکر فلسفی بیان کرده است و معتقد است مسائل مختلف تربیتی را با راهنمایی این نوع طرز تفکر بهتر و مناسبتر می‌توان حل کرد که شامل رویکرد فکر در سه بعد جامعیت، تعمق انعطاف فکری است مربیانی که مجهز به طرز تفکر فلسفی باشند قادر خواهند بود اصول و قوانین روانشناختی و جامعه‌شناختی را در برخورد با مسائل روزمره تربیتی بکار بندند و در هر شرایط آمادگی برخورد با مسائل مختلف را پیدا می‌کنند. که در مطالعات مدیریت این نوع طرز تفکر یکی از زمینه‌های فکری مهارت ادراکی مدیر را تشکیل می‌دهد که بعنوان مهارتی اثر بخش در مدیریت سازمانها مطرح است.

در همه سطح مدیریت مستلزم داشتن مهارتهاست و یکی از این مهارتها مهارت ادراکی است که توانایی درک پیچیدگیهای کل سازمان و تصور همه عناصر و اجزای تشکیل دهنده کار و فعالیت سازمانی را برای مدیر به همراه دارد. مهارت ادراکی سبب می‌شود که مدیران مدارس در تصمیم‌گیریهای مربوطه به مؤلفه‌های آموزشی کمترین خطا را مرتکب شوند. ظرافتها و پیچ و خمهای مدیریت را بهتر درک کند و ترکیب مناسب و معقولی بین عوامل آموزشی برقرار سازند.

سیستم مدرسه دارای درون داده‌هایی به صورت دانش آموز، محتوای درس برنامه، روشهای تدریس، فرهنگ معلم و... می‌باشد که وارد مدرسه می‌شوند به دو دسته عمده عمل شونده و عمل کننده تقسیم می‌گردند. عمل شونده‌ها دانش آموزان هستند که فرآیند برای ایجاد تغییرات نسبتاً مطلوب در ذهن آنان می‌باشد بقیه عوامل عمل کننده هستند. فرآیند به صورت عملیات تدریس آغاز می‌شود و در نهایت سیستم مدرسه خروجیهایی به صورت فارغ التحصیل دارد (همان).

^۱.Philip smith

مدیر با تفکر فلسفی باید از امور روزمره مدرسه استفاده و برای آینده مدرسه برنامه ریزی کند. درگیر شدن در روز مرگی، آینده مدرسه را با بحران رو به رو می کند بنابراین مدیر باید زمان حال را زمینه برنامه ریزی دراز مدت بکند (گروه آموزش مدیران، ۱۳۷۹). مدیر مدرسه باید در مورد اعمال و رفتار، گفته‌ها، نظریات علمی، اقدامات تربیتی تدریس و... معلمان، دانش آموزان و همکاران به طور مستقل و دور از ذهنیات خود قضاوت کند. اگر مدیر مدرسه مطلبی را به صرف اینکه آن را فلان معلم که به یک جریان فکری وابسته است گفته وی رد یا قبول کند با اشکال روبرو می شود. ممکن است نظر و یا مطالب مفیدی که مشکل مدرسه را حل می کند، بر این اساس رد کند و از آن استفاده نکند و یا برعکس مطلب غیر مفیدی را بپذیرد» (تکنولوژی آموزشی، ۱۳۷۹).

رفتار رهبری مؤثر در مؤسسات مختلف متفاوت است مدیر باید فنون و شیوه‌های خود را تغییر دهد تا کیفیتهای دلخواه را در کل اجرا بدست آورد. مفهوم رفتار رهبری انطباق پذیر آن است که « هر اندازه مدیر سبک رفتار خود را متناسب وضعیت خاص و نیازهای زیر دستانش انطباق پذیر سازد به همان اندازه در رسیدن به هدفهای شخصی و سازمانی اثر بخش (مؤثر) خواهد بود» (علاقه بند، ۱۳۷۵).

ادگار. اج شاین^۱ در این زمینه استدلال می کند که « مدیر موفق باید یک تشخیص دهنده خوب باشد و به روح تحقیق ارزش بگذارد» اگر تواناییها و انگیزه‌های افراد زیر دست مدیر بسیار متغیر است او باید از چنان حساسیت و توانایی تشخیص برخوردار باشد که بتواند تفاوتهای آنها را احساس و درک کند. بعبارت دیگر مدیر باید قادر باشد قراین و نشانه‌ها را در یک محیط تشخیص دهد. ولی، حتی با دانستن مهارتهای تشخیصی مناسب، یک رهبر ممکن است هنوز اثر بخش نباشد. مگر اینکه بتواند شخصیت رهبری خود را مطابق نیازها و تقاضای محیط خود سازگار نماید. « او باید با انعطاف پذیری شخصی و دامنه متغیری از مهارتهای لازم داشته باشد تا رفتار خود را به اقتضا تغییر دهد» (همان).

آرگریس^۲ معتقد است که یک شخص با گذشت زمان همچنانکه بالغ می شود از یک حالت منفعل به یک حالت فعالیت فزاینده، از وابستگی به دیگران به استقلال نسبی، نظیر آن تغییر

^۱. Edgar. H. Schein

^۲. Argyris

می‌یابد. مثل رابطه کودک با والدین در طول رشد، سبک رهبری به اقتضای بلوغ زیردستان تغییر می‌یابد (آکوچکیان، ۱۳۷۷-۱۳۷۶).

برتراند راسل دانشمند معاصر انگلیسی می‌گوید: «کار فلسفه در عصر ما برای آنهایی که فلسفه را مطالعه می‌کنند این است که به ایشان بیاموزند چگونه در وضع و حالت عدم اطمینان زندگی کنند و در عین حال از اظهار نظر و اقدام خودداری نکنند» (گروه آموزش مدیران، ۱۳۸۹). فرد سالم از این که در دامن طبیعت زندگی می‌کند لذت می‌برد و از آنها استفاده می‌کند آن گونه که دیویس می‌گوید «افراد سالم از شادیهای روزمره زندگی احساس نشاط می‌کنند و متوجه منابع و زیبایی‌های اطراف خود هستند و از دیدن آنها لذت می‌برد» (حجتی، ۱۳۶۷). افراد سالم دچار اضطراب و نابسامانی فکری دائمی نیستند. و از آینده یا اتفاقات غیر مترقبه هراسی ندارند آنها با بردباری و احساس امنیت با وقایع و پیش آمدهای زندگی روبرو می‌شوند و برای آنها راه حل منطقی پیدا می‌کنند و نسبت به آنچه پیش نیامده، بدون ترس به برنامه ریزی می‌پردازند این افراد آرام هستند و با آرامش خاطر به کار می‌پردازند. آنها عجول، بی صبر و بی قرار نیستند و سعی می‌کنند کار با آهنگی منطقی و باسرعتی نسبتاً قابل قبول انجام دهند و تعادل در رفتار آنها دیده می‌شود.

فردی که از بهداشت روانی برخوردار است برای خود ارزش قائل می‌باشد. در حقیقت او خود را به عنوان یک فرد باارزش و احترام می‌پذیرد به همین شکل برای افراد دیگر نیز احترام قائل است و در آنها نکات مثبت و ارزشمندی می‌بیند که قابل احترام می‌شوند (همان). از این رو تفکر فلسفی به لحاظ ویژگیهای آن در برخورد با مسائل مختلف تربیتی به رفتار آموزشی مریبان نزدیک‌تر است. در مطالعات مدیریت تفکر فلسفی بعنوان یکی زمینه‌های فکری مهارت ادراکی مدیر مطرح شده است. که مدیر را برای شناسایی محیط آموزشی، درک روابط متقابل میان عوامل مختلف تشخیص اولویتهای آموزشی، اتخاذ تصمیمات مؤثر بهتر آماده می‌کند و به زبان ساده‌تر مدیری که دارای تفکر فلسفی است به راحتی می‌تواند ارتباط بین تمام اجزاء و عناصر و عملکردها و فعالیتها را روشن ساخته و تأثیر آنها را بر هم مشخص نماید.

اینرگبو (۲۰۰۶) در تحقیقی تحت عنوان "بررسی ارتباط بین سبک تفکر و رویکردهای یادگیری در بین دانشجویان نیجریه نشان داد که یادگیری دانشجویان بر اساس خصوصیات فردی متفاوت است. بعضی متفکران کلی هستند و تمایل به تجزیه و تحلیل در بین آنها وجود دارد. آنها در دنیای

ایده‌ها تصور و تفکر می‌کنند. متفکران جزئی نگر در مطالعاتشان از سبکهای تفکر ساده استفاده می‌کنند و این دانشجویان از پیچیدگی کمتری برخوردارند و به جزئیات توجه دارند. ماری گلاین (۱۹۹۰) در تحقیقی تحت عنوان بررسی سبک تفکر کتابداران تحصیل کرده و رابطه آن با ارتباطات کاری موثر به بررسی تفاوت در سبکهای تفکر کتابداران تحصیل کرده نشان داد افرادی که دارای سبک تفکر منعطف و شناور می‌باشند از توانایی بسیار زیاد و انعطاف پذیری در محیط کار برخوردارند. فورد (۱۹۹۸) در تحقیقی تحت عنوان سبک تفکر مدیران و تاثیر آن بر سلامت روان همکاران به تفاوت معنی داری (۴/۸۴) در سبک تفکر مدیران بخش‌های مختلف وجود داشت. سبک تفکر مدیر بر روی همکاران تاثیر گذار بود و افراد زیر دست برای سازگاری با سبک تفکر مدیرشان تمایل نشان دادند. فیلیپ جی اسمیت (۱۹۵۶) در رساله دکتری خود تحت عنوان ذهنیت فلسفی در مدیریت آموزشی به بحث در باره ابعاد ذهن فلسفی و ۱۲ نشانه آن پرداخته است. نتایج تحقیق وی نشان داد که بین ذهنیت فلسفی بالای مدیران و روحیه بالای معلمان رابطه معنادار و نیز بین ذهنیت پایین مدیران و روحیه معلمان رابطه معناداری وجود دارد. همچنین مدیران دارای ذهنیت فلسفی بالا در تقویت روحیه معلمان موفق‌تر بودند.

طالب پور و همکاران (۱۳۸۴) در تحقیقی تحت عنوان "بررسی و مقایسه ذهنیت فلسفی مدیران مربیان و سرپرستان تیم‌های ورزشی دانشگاه‌های سراسر کشور" نشان دادند که مدیران از ذهنیت فلسفی بالاتری برخوردارند و همچنین از مقایسه ابعاد سه گانه ذهنیت فلسفی در نمونه تحت بررسی در بعد تعمق دارای میانگین بهتری نسبت به ابعاد دیگر بودند. حسینی و همکاران (۱۳۸۹) در تحقیقی تحت عنوان "مقایسه تفکر فلسفی مدیران بیمارستانها با ویژگی‌های دموگرافیک آنان" به این نتیجه رسیدند که بین تفکر فلسفی مدیران نظام سلامت و ابعاد آن (جامعیت و تعمق و انعطاف پذیری) با ویژگی‌های دموگرافیک مدیران از قبیل جنسیت، مدرک تحصیلی، و رسته مدیریتی آنان تفاوت معنی داری وجود نداشت. در واقع داشتن ذهنیت فلسفی و پویا و برخورداری از انواع تفکر منطقی و خلاق مشخصه‌ای است که هر انسانی با هر شخصیتی می‌تواند آن را کسب کند. شرفی و همکاران (۱۳۸۹) در تحقیقی تحت عنوان "بررسی رابطه بین ذهنیت فلسفی و سبک مدیریت تعارض مدیران مدارس راهنمایی تحصیلی شهرستان رشت" به نتایج زیر دست یافتند: ۱- با توجه به تحلیل آزمون خی دو، رابطه معنی داری بین ذهنیت فلسفی و

سبک مدیریت تعارض تشریک مساعی مدیران مدارس وجود دارد. ۲- بین ذهنیت فلسفی و سبک مدیریت تعارض همسازی مدیران مدارس رابطه معنی داری وجود دارد. ۳- با توجه به تحلیل آزمون خی دو، رابطه معنی داری بین ذهنیت فلسفی و سبک مدیریت تعارض مصالحه مدیران مدارس وجود دارد. ۴- بین ذهنیت فلسفی و سبک مدیریت تعارض رقابت مدیران مدارس رابطه معنی دار وجود دارد. ۵- با توجه به تحلیل آزمون خی دو، رابطه معنی داری بین ذهنیت فلسفی و سبک مدیریت تعارض اجتناب مدیران مدارس وجود دارد.

در تحقیق حاضر که با استفاده از روش توصیفی صورت می‌گیرد. سعی می‌شود تأثیر تفکر فلسفی مدیران بر رعایت بهداشت روانی و ایجاد روابط انسانی از سوی آنان بررسی شود تا بر اساس یافته‌های آن راهبردهای عملی برای مدیران مدارس در جهت رعایت بهداشت روانی و ایجاد جو مطلوب آموزش مطرح گردد. انسان به دلیل توانمندی‌های عقلانی، با اراده مستقل خود در فرآیند تربیت پذیری و بهداشت روانی خویش مشارکت می‌کند و از این روی توانایی انسان بر ادراک، تحلیل عقلانی و انتخاب، زمینه تکلیف و مسئولیت پذیری او را فراهم می‌سازد و بدین سان وی موظف می‌سازد تا نسبت به تربیت و کنترل خود و دست یافتن به بهداشت روانی خود و دیگران اقدام و اهتمام نماید.

فلسفه به عنوان یک فعالیت و شکلی از معرفت همواره مطرح بوده است. انسان به فلسفه به عنوان یک فعالیت توجهی خاص داشته است. علم و فلسفه هر دو عقل انسان را در حل مسایل بشری به کار می‌گیرند. در حالی که علم عمدتاً با اصلاح و بسط معرفت‌ها و حقیقت امور سر و کار دارد هدف فلسفه بهبود فعالیتها و قضاوت‌های انسان است. در جریان ایجاد و تقویت ذهنیت فلسفی بصیرت می‌تواند به عنوان یکی از فاکتورهای مهم نقش ویژه‌ای دارد. بصیرت عبارتست از روشن شدن ارتباط اجزا با هم و با کل امر مورد یادگیری در نظر یاد گیرنده که اساس یادگیری محسوب میشود. با مطالعه مبانی نظری پیشینه تحقیق مشخص گردید که ذهنیت فلسفی از دیدگاه فیلیپ جی اسمیت عبارت از: نوعی قدرت انتظام یا حالت داتی و نمایی از رفتار است. فرد دارای ذهن فلسفی خصوصیتی از خود نشان می‌دهد که ممکن است در سه بعد مرتبط به هم متجلی شوند. اسمیت این سه بعد را جامعیت تعمق و انعطاف پذیری نامیده و برای هر یک از ابعاد چهار خصوصیت قائل شده است که عبارتند از: **(الف) جامعیت:** ۱- نگریستن به موارد خواص در ارتباط با زمینه وسیع ۲- ارتباط دادن مسایل انی به اهداف دراز مدت ۳- بکار بردن قوه تعمیم ۴-

شکلیابی در تفکرات عمیق نظری (ب) **تعمق: ۱:** زیر سوال بردن آن چه مسلم یا بدیهی تلقی میشود-۲- کشف و تدوین بنیادها-۳- کاربرد حساسیت برای اموری که دارای معانی ضمنی و رابطه‌ای هستند-۴- مبتنی کردن انتظارات بر جریان فرضیه استنتاجی-قیاسی (ج) **قابلیت انعطاف: ۱-** رها شدن از جمود راوشناختی-۲- ارزشیابی افکار و نظریات جدا از منابع آن‌ها-۳- دیدن مسائل یا جهات متعدد آن و ایجاد جانشین‌هایی برای فرضیه‌ها جنبه‌های مورد نظر انتظارات و غیره-۴- شکلیابی در قضاوت موقت و مشروط. از آن جا که مدیریت هر روز متحول میگردد و ابعاد تازه‌ای به خود میگیرد صاحب نظران علم مدیریت همواره در تلاش هستند که اصولی را کشف نمایند تا مبانی مدیریت بر پایه‌ای اصول استوار باشد لازمه مدیریت یک مدیر تفکر صحیح می‌باشد تا بتواند اصول و مبانی را بعنوان راهنما در اعمال خود به کار گیرد (بابایی، ۱۳۸۹).

فرضیات تحقیق

با توجه به دلایل ذکر شده این چهار چوب با موضوع تحقیق و محیط‌های آموزشی همخوانی و انطباق دارد لذا چارچوب یاد شده به عنوان چارچوب نظری این تحقیق استخراج و بر این اساس مولفه‌های تحقیق شکل گرفته است.

فرضیه اصلی: تفکر فلسفی مدیران بر بهداشت روانی معلمان تأثیر مثبت دارد.

فرضیه‌های فرعی:

- ۱- مدیران با تفکر فلسفی برای معلمان احترام و ارزش بیشتری قائلند.
- ۲- مدیران با تفکر فلسفی در شناخت و درک شرایط واقعی معلمان توانایی بیشتری دارند.
- ۳- مدیران با تفکر فلسفی به برقراری روابط با معلمان توجه بیشتری نشان می‌دهند.
- ۴- مدیران با تفکر فلسفی به مشارکت معلمان در تصمیم‌گیریها اهمیت بیشتری می‌دهند.
- ۵- مدیران با تفکر فلسفی به نیازهای معلمان توجه بیشتری دارند.

روش

با عنایت به عنوان پژوهش که بررسی تأثیر تفکر فلسفی مدیران بر بهداشت روانی معلمان و همچنین با در نظر گرفتن متغیرهای مورد مطالعه و اهداف آن، روش تحقیق توصیفی و از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش متشکل از کلیه مدیران و معلمان مدارس ابتدایی منطقه ۳ و ۴ شهرستان تهران در سال تحصیلی (۹۳-۹۲) است. بعلاوه گسترده نبودن جامعه آماری

از شیوه نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شد که تعداد ۳۵ نفر مدیر و ۱۵۰ نفر معلم انتخاب شدند که از میان مدیران ۲۶ نفر مرد و ۹ نفر زن و از میان معلمان، ۹۷ نفر مرد و ۵۳ نفر زن بودند. جهت گردآوری اطلاعات پیرامون موضوع تحقیق، به دو روش کتابخانه‌ای و با استفاده از دو ابزار پرسشنامه محقق ساخته و آزمون IBT جونز انجام گرفته است.

الف- روش کتابخانه‌ای: با مراجعه به مراکز اطلاع رسانی و کتابخانه‌های دانشگاهی معتبر و استفاده از کتب و منابع موجود در مراکز علمی و پایان‌نامه‌های ارائه شده در این زمینه به جمع‌آوری اطلاعات پیرامون تفکر منطقی با خصوصیات فلسفی و بهداشت روانی پرداخته شده است. ب- استفاده از پرسشنامه و آزمون: جهت جمع‌آوری اطلاعات در خصوص رعایت اصول و مبانی اولیه بهداشت روانی از سوی مدیران (۱-توان برقراری رابطه با دیگران ۲-توان ارزیابی درست از خود ۳-داشتن عواطف و احساسات متعادل ۴-توان بهره‌گیری از امکانات، منابع و مواهب ۵-داشتن اعتماد به نفس و احساس کفایت ۶-احساس امنیت و آرامش خاطر ۷-احترام به خود و دیگران ۸-مسئولیت پذیر بودن ۹-خودکنترلی ۱۰-احساس رضایت و شادی)، پرسشنامه‌ای در ۳۰ سوال و از نوع لیکرت تهیه و تدوین گردیده است و همچنین آزمون IBT جونز جهت (جمع‌آوری اطلاعات در خصوص تفکر فلسفی مدیران) در نظر گرفته شده است. آزمون مذکور در ۱۰۰ سوال از نوع لیکرت برای سنجش ۱۰ خصوصیت فکری (۱-ضرورت تایید و حمایت دیگران ۲-انتظار بالا از خود ۳-تمایل به سرزنش خود ۴-واکنش به ناکامی ۵-بی‌مسئولیتی عاطفی ۶-دل‌مشغولی زیاد همراه با اضطراب ۷-اجتناب از مسایل ۸-وابستگی ۹-ناامیدی نسبت به تغییر ۱۰-کمال‌گرایی) تنظیم شده است.

برای سنجش باورهای غیرمنطقی از آزمون باورهای غیرمنطقی جونز استفاده شد، این آزمون که بر اساس نظریه ایس و برای ارزیابی افکار ناکارآمد ساخته شده است ۱۰ فکر غیرمنطقی را بررسی می‌کند. در این پرسشنامه که شامل ۱۰۰ سوال است، هر گزینه یک فکر غیرمنطقی را می‌سنجد. میانگین پایایی همه خرده‌مقیاس‌ها ۰/۶۶ تا ۰/۸۰ و پایایی هریک از خرده‌مقیاس‌های ده گانه ۰/۷۴ است. دونا پوش به بررسی روایی آزمون با استفاده از دو روش روایی صوری و روایی همگرا پرداخته است و ضریب همبستگی با آزمون افسردگی بک ۰/۸۲، محاسبه شده است (بشارت، ۲۰۰۳).

پایایی بازآزمایی مقیاس سلامت روانی بر حسب نتایج دو بار اجرای آزمون و همسانی درونی مقیاس بر حسب ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد و مورد تأیید قرار گرفت. ضرایب آلفای کرونباخ برای بهزیستی و درماندگی روانشناختی در نمونه‌های بیمار و بهنجار از ۰/۸۹ تا ۰/۹۴ محاسبه شد. ضرایب پایایی بازآزمایی نیز به همین ترتیب از ۰/۸۵ تا ۰/۹۱ به دست آمد. همه ضرایب در سطح $P > 0/001$ معنادار بودند. روایی همزمان مقیاس سلامت روانی بر حسب ضرایب همبستگی زیر مقیاس‌های این ابزار با نمره کلی پرسشنامه سلامت عمومی بررسی شد. این ضرایب برای بهزیستی روانشناختی ۰/۸۷- و برای درماندگی روانشناختی ۰/۸۸ محاسبه و در سطح $P > 0/001$ تأیید شد. نتایج مربوط به روایی تفکیکی مقیاس سلامت روانی نیز نشان داد که این مقیاس می‌تواند افراد دو گروه بیمار و بهنجار را متمایز کند. نتیجه‌گیری: براساس یافته‌های این پژوهش، مقیاس سلامت روانی پرسشنامه‌ای معتبر محسوب می‌شود و می‌تواند برای هدف‌های پژوهشی و بالینی به وسیله پزشکان، روانپزشکان، روانشناسان بالینی و پژوهشگران حوزه سلامت مورد استفاده قرار گیرد.

یافته‌ها

با توجه به نتایج بدست آمده در خصوص فرضیه اصلی و فرضیه‌های فرعی می‌توان گفت که بین تفکر فلسفی مدیران با رعایت اصول و مبانی اولیه بهداشت روانی از سوی آنان ارتباط معنی دار وجود دارد که بیانگر تأیید فرضیه‌های پژوهش است.

فرضیه اصلی: تفکر فلسفی مدیران بر بهداشت روانی آنان تأثیر مثبت دارد.

جدول ۱.۱. اطلاعات خام بدست آمده از آزمون و پرسشنامه

شماره	تفکر فلسفی روانی	شماره	بهداشت روانی	شماره	تفکر فلسفی روانی	شماره	بهداشت روانی	شماره	تفکر فلسفی روانی	شماره	بهداشت روانی
۱	۳۴۲	۱۲۶	۴	۱۲۹	۳	۱۴۲	۳۲۸	۲	۱۲۶	۱۳۱	۲۹۲
۵	۳۰۶	۱۲۰	۸	۱۲۹	۷	۱۴۶	۳۴۶	۶	۱۲۰	۱۲۵	۳۵۵
۹	۲۹۲	۱۳۵	۱۲	۱۵۰	۱۱	۹۹	۲۹۶	۱۰	۱۳۵	۱۳۲	۳۲۸
۱۳	۳۵۳	۱۳۵	۱۶	۱۳۵	۱۵	۱۰۵	۳۱۱	۱۴	۱۳۵	۱۱۳	۲۸۵
۱۷	۳۲۲	۱۰۰	۲۰	۱۲۴	۱۹	۱۴۹	۳۵۸	۱۸	۱۰۰	۱۳۲	۳۰۲
۲۱	۳۰۲	۹۴	۲۴	۱۴۷	۲۳	۱۲۱	۳۳۳	۲۲	۹۴	۱۳۹	۳۸۳
۲۵	۳۱۰	۱۳۶	۲۸	۱۲۸	۲۷	۱۳۹	۳۴۴	۲۶	۱۳۶	۱۲۳	۳۰۱
۲۸	۳۰۱	۱۲۳	۳۱	۱۴۲	۳۰	۱۳۴	۳۸۴	۲۹	۱۲۳	۱۳۲	۳۲۵
۳۲	۳۳۲	۱۳۶	۳۵	۱۳۹	۳۴	۹۸	۳۰۵	۳۳	۱۳۶	۱۴۵	۳۵۶

جدول ۲. نمرات تفکر فلسفی و بهداشت روانی مدیران نمونه پژوهش

انحراف میانگین	از انحراف	واریانس	مد	میانه	میانگین	جمع	تعداد	شاخص
۲۰/۵۷	۱۵/۸۱	۲۵۰	۳۲۹/۵	۳۲۹/۵	۳۲۹/۵	۱۱۵۷۴	۳۵	تفکر فلسفی
۱۰/۱۶	۱۴/۷۹	۲۱۹/۹۱	۱۳۳/۶۹	۱۳۰/۷۵	۱۲۹/۲۸	۴۵۱۰	۳۵	بهداشت روانی

جدول ۳. مقایسه داده‌های توصیفی پرسشنامه بهداشت روانی و آزمون تفکر فلسفی مدیران

X	Y	xy	x ²	y ²	R	r ²
۱۱۵۷۴	۴۵۱۰	۱۴۹۹۱۵۰	۳۸۵۱۴۱۸	۵۸۸۷۴۶	۰/۵۷	۳۲/۵

جدول ۳ محاسبه ضریب همبستگی گشتاوری پیرسون با استفاده از نمرات اصلی آزمون تفکر فلسفی و پرسشنامه بهداشت روانی مدیران نشان می‌دهد. چون ضریب همبستگی محاسبه شده برابر (۰/۵۷) از ضریب همبستگی مبین با درجه آزادی ۳۳ در سطح ۰/۱۰ برابر (۰/۳۹) بیشتر است بنابراین فرض صفر رد می‌شود و فرض مقابل تأیید می‌شود. این تأیید بیانگر رابطه معنی دار بین تفکر فلسفی و بهداشت روانی است. با توجه به معنی دار بودن ضریب همبستگی محاسبه شده نتیجه می‌گیریم تفکر فلسفی مدیران بر بهداشت روانی آنان تأثیر مثبت دارد که با توجه به ضریب تعیین میزان آن ۳۲/۵ درصد است.

بحث و نتیجه گیری

در خصوص فرضیه اصلی « تفکر فلسفی مدیران بر بهداشت روانی آنان تأثیر مثبت دارد » یافته‌های تحقیق مربوط به این فرضیه حاکی از این است که بین تفکر فلسفی مدیران و بهداشت روانی آنان ضریب همبستگی مثبت (I = ۰/۵۷) وجود دارد که در سطح بحرانی ۰/۰۱ با درجه آزادی ۳۳ معنی دار بوده است. همچنین ضریب تعیین برابر (۳۲/۵) درصد بدست آمده است. نشانگر (۳۲/۵) درصد واریانس بهداشت روانی مدیران ناشی از واریانس تفکر فلسفی آنان است. بنابراین یافته‌های پژوهش بیانگر تأثیر تفکر فلسفی مدیران بر بهداشت روانی معلمان با میزان (۳۲/۵) درصد است. اما شهلا آکوچکیان در سال ۱۳۷۷ بر اساس داده‌های غیر منطقی، رابطه بین تفکر غیر منطقی و آشفتگی‌های خانواده را بررسی کرده است که وجود رابطه معنی دار بین تفکرات غیر منطقی و آشفتگی‌های خانواده را نشان داده است. همچنین مریم حیدری در سال ۱۳۷۸ رابطه بین تفکر غیر منطقی و فرسودگی شغلی دبیران را بررسی کرده است که وجود رابطه معنی دار بین تفکر غیر منطقی و افسردگی (فرسودگی) شغلی تأیید گردیده است. همچنین یافته‌های این تحقیق با نتایج تحقیق فیلیپ جی اسمیت (۱۹۵۶) که بین ذهنیت فلسفی مدیران و

روحیه بالای معلمان رابطه معنی دار وجود دارد همسو است. از طرف دیگر یافته‌های این تحقیق با یافته‌های تحقیق شرفی و همکاران (۱۳۸۹) که بین ذهنیت فلسفی مدیران و سبک مدیریت تعارض در مولفه‌های تشریک مساعی، همسازی، مصالحه، رقابت و اجتناب مدیران مدارس رابطه معناداری وجود دارد همسو است. و نهایتاً یافته‌های این تحقیق با یافته‌های جمال امینی (۱۳۷۸) که بین تفکر غیر منطقی و میزان رضایت شغلی و فرسودگی شغلی رابطه وجود دارد همسو می‌باشد.

بطور کلی نتایج پژوهش حاضر و پیشینه نظیر آن، حاکی از این است که نوع نگرش افراد در جلوگیری و یا افزایش مشکلات روانی موثر است و یا به عبارتی طرز تفکر و بینش فرد بر نگرش‌های عینی او به مسائل زندگی و نیز رفتار، عواطف و احساسش تأثیر گذار هستند. در تحقیق حاضر که با هدف شناخت مدیران دوره ابتدایی از نظر تفکر فلسفی و رعایت بهداشت روانی از سوی آنان انجام گرفته است، وجود رابطه معنی دار نسبتاً قوی بین طرز تفکر فلسفی با رعایت بهداشت روانی را نشان داده است. آگاهی و توجه به یافته پژوهش برای مدیران مدارس در درجه اول اهمیت قرار دارد. بدلیل نوع و ماهیت کاری که مدیران مدارس انجام می‌دهند نقش رهبری و تأثیر و نفوذ بر رفتار معلمان در الویت قرار می‌گیرد. لذا شایسته است مدیران مدارس از سلامت فکر و بهداشت روانی برخوردار بوده و با در نظر گرفتن اهداف دور مدرسه و توجه به ظرافتهای ارتباط با معلمان ترکیب مناسب و معقول بین عوامل آموزشی و جو پایدار که از هر نظر شایسته مدرسه است بوجود آورند. چرا که مدیران با تفکر منطقی و با خصوصیات فلسفی بدلیل برخورداری از بعد انعطاف پذیری فکری و رهایی از جمود فکری و روانی در موقعیتهای هیجانی و عاطفی رفتار مناسبی با توجه به اهداف دور مدرسه نشان می‌دهند، که این امر خود بصورت مستقیم یا غیر مستقیم در سلامت روان دانش‌آموزان و خانواده‌ها و نهایتاً سلامت روان جامعه و پیشرفت کشور تأثیر بسزایی دارد بنابراین لازم است در این خصوص آموزش‌های لازم در حوضه آموزش و پرورش توسط متخصصین علوم تربیتی و بطور کلی علوم رفتاری صورت پذیرد تا هر چه بیشتر شاهد شکوفایی استعدادها و سلامت روان آنان در آموزش و پرورش باشیم.

منابع

شریعتمداری، علی. (۱۳۶۹). **روانشناسی تربیتی**. نشر امیرکبیر. چاپ چهارم. ص ۳۷۹ و ص ۳۹۷.

فیلیپ، جی، اسمیت. (۱۳۷۴). **ذهنیت فلسفی در مدیریت آموزش**. ترجمه محمد رضا برنجی. نشر کمال. ص ۱۲۵.

مجتبوی، جلال‌الدین. (۱۳۷۸). **کلیات فلسفه**. نشر حکمت. چاپ پانزدهم. ص ۱۰ و ۳۳۸
ذبیحی، زهره. (۱۳۷۸). **بررسی روابط انسانی در مدارس قائم شهر**. پایان‌نامه چاپ نشده، دانشگاه آزاد اسلامی ساری. ص ۱۵.

گنجی، حمزه. (۱۳۷۹). **بهداشت روانی**. نشر ارسباران. چاپ سوم - پاییز. ص ۴۰.
تکنولوژی آموزشی. (مهرماه ۱۳۷۹). شماره ۱. ص ۳۲، ۳۳ و ۳۴.
گروه آموزش مدیران (۱۳۷۹). **راهنماهایی در مدیریت آموزش، نشر دفتر آموزش عمومی وزارت آ- پ**، چاپ سوم. ص ۳۹ و ۵۰.

علاقه‌بند، علی. (۱۳۷۵). **مدیریت رفتار سازمانی**. نشر امیرکبیر. چاپ دوازدهم. ص ۸۳ و ۱۲۹.
آکوچکیان، شهلا. (۷۶-۷۷). **بررسی رابطه تفکر غیر منطقی با آشنگی‌های خانواده**. پایان‌نامه چاپ نشده، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان. ص ۱۳۱.

حجتی، سید محمد باقر. (۱۳۶۷). **اسلام و تعلیم و تربیت**. نشر فرهنگ اسلامی. چاپ هفتم. ص ۱۰.
امینی، جمال. (۷۶-۷۷). **بررسی تأثیر تفکر غیر منطقی دبیران بر میزان رضایت شغلی آنان**. پایان‌نامه چاپ نشده، دانشگاه تربیت معلم تهران.

بابا صفری، عباس. (۱۳۷۸). **رابطه تفکر غیر منطقی و عزت نفس دانش‌آموزان**. پایان‌نامه چاپ نشده، دانشگاه آزاد اسلامی رودهن. ص ۸
مظاهری، عفت. (۱۳۷۹). **بررسی رابطه تفکر غیر منطقی با اختلالات زناشویی**. پایان‌نامه چاپ نشده، دانشگاه علوم پزشکی اردبیل.

پارکنسون، رستم جی. (۱۳۷۶). **اندیشه‌های بزرگ در مدیریت**. ترجمه ایزان نژاد. نشر موسسه بانک داری ایران. چاپ سوم.

شریعتمداری، علی. (۱۳۷۳). **تعلیم و تربیت اسلامی**. نشر امیرکبیر. چاپ نهم. ص ۵۱ و ۱۲۲
Besharat, M. A. (2013). "Parental perfectionism and children's test anxiety." **Psychological reports** 93 (3f): 1149-1155.